

با عنایت به منطوق این بند از ماده ۳ اخذ آخرین دفاع از تکالیف بازپرس در تمامی پرونده‌هاست حتی پرونده‌هایی که بازپرس عقیده بر مجرمیت متهم ندارد و پرونده مشتبه به صدور قرار منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب می‌گردد در حالی که به نظر می‌رسد صرفاً در موردی که بازپرس عقیده بر مجرمیت متهم دارد اخذ آخرین دفاع ضروری است و در سایر موارد چنین تکلیفی ندارد.

۳- در بند ۳ از ماده ۳ آمده است: «... کلیه قرارهای دادیار بایستی با موافقت دادستان باشد...» در حالی که شایسته است قرارهای نهایی را مضمول این تکلیف نمایند نه کلیه قرارها، زیرا دادیار بایستی حداقل در اخذ تأمین نظر مستقلى داشته باشد. ضمن اینکه لزوم موافقت دادستان با کلیه قرارهای دادیار موجب اطاله رسیدگی می‌گردد.

۴- در بند ۴ ماده ۳ آمده است: «... بازپرس دستور ابلاغ قرار صادره به شاکی خصوصی را می‌دهد...» و سخنی از ابلاغ قرار به متهم به میان نیامده است حال آنکه به نظر می‌رسد حتی در صورتی که درباره متهم قرار منع یا موقوفی تعقیب صادر شود این قرار باید به او ابلاغ شود. همچنین در بند ۳ ماده ۳ اعتراض به قرارهای منع تعقیب و موقوفی تعقیب را صرفاً حق شاکی خصوصی دانسته است در صورتی که باید این حق را برای متهم نیز به رسمیت بشناسیم به خصوص در مورد قرار موقوفی تعقیب ناشی از گذشت شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت، مثلاً فرض کنید شخصی به طور واهی علیه دیگری تحت عنوان اهانت شکایت می‌کند و در مرحله تحقیقات گذشت می‌نماید و قاضی دادسرا به لحاظ گذشت شاکی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌نماید اما مشتکی عنه مدعی است که شکایت واهی است (و واقع امر نیز چنین است) و می‌خواهد بی‌گناهی خود را به اثبات برساند تا قرار منع تعقیب به لحاظ عدم احراز وقوع بزه در موردش صادر شود. گرچه نتیجه هر دو قرار (منع تعقیب و موقوفی تعقیب) عدم تعقیب متهم است ولی هر کدام از اینها آثار حقوقی و اجتماعی مختلفی دارد. به عنوان مثال در این فرض شاکی می‌تواند مدعی باشد که با گذشت من تعقیب موقوف شد و این امر به معنای بی‌گناهی متهم نبوده است در حالی که متهم مدعی است که بی‌گناه بوده و دلایل کافی برای اثبات بی‌گناهی خود داشته است ولی قاضی به محض گذشت شاکی قرار موقوفی تعقیب صادر کرده و به دلایل من توجهی ننموده. و همچنین چنانچه حقی برای متهم تحت عنوان اعاده حیثیت و شکایت علیه شاکی (تحت عنوان افتراء) قائل باشیم در این فرض این حق برای متهم مورد نظر مستقر نمی‌شود زیرا بی‌گناهی وی اثبات نشده است تا بتواند به عنوان افتراء اقامه شکایت کند بلکه به دلیل گذشت شاکی رسیدگی

◀ ترجم اسدیان - معاون دادستان عمومی و انقلاب شهرستان ری

لزوم آموزش اعضای شوراها

سال ۱۳۷۵ مشغول به کار قضایی شده و تاکنون، به عنوان قاضی تحقیق و دادرس دادگستری نورآباد و رئیس شعبه در دادگستری خرم‌آباد و معاون قضایی دادگستری ورامین انجام وظیفه نموده و در حال حاضر از ابتدای تشکیل دادسرا معاون دادستان دادسرای شهری می‌باشد.

■ با توجه به قانون مربوط به تشکیل دادرسی عمومی و انقلاب به نظر شما در این مدت کوتاه تأسیس دادسرا، آیا این قانون کامل و جوابگو می‌باشد؟ چنانچه نقایصی در این مدت مشاهده شده بیان فرمایید.

در مجموع قانون مناسبی است اما در این قانون بعضی ایرادات و ابهامات جزئی وجود دارد که باید رفع گردد به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم: ۱- در بند ۳ ماده ۳ از قانون اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، با هدف حفظ حقوق متهم مقرر شده است: «... به هر حال مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای جرم تجاوز نماید.» به نظر می‌رسد این عبارت جامع نمی‌باشد چون که صرفاً شامل مواردی می‌گردد که در قانون برای مجرم مجازات حبس پیش‌بینی شده است و قانون نسبت به مواردی که مجازاتی غیر از حبس در نظر گرفته ساکت است زیرا نه ذکر از سایر مجازاتها به میان آورده و نه ملاکی جهت محاسبه سایر مجازاتها نسبت به حبس ارائه کرده است.

۲- در بند ۴ ماده ۳ از قانون مزبور مقرر گردیده است: «... پس از آنکه تحقیقات پایان یافت بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود پرونده را نزد دادستان می‌فرستد...»

پرونده‌های محاکماتی و یا اجرایی پرداخته که تا حدودی زیادی امکان انجام وظیفه قانونی مورد اشاره را ممکن می‌نماید.

■ مشکلات شما در محیط کار چیست؟

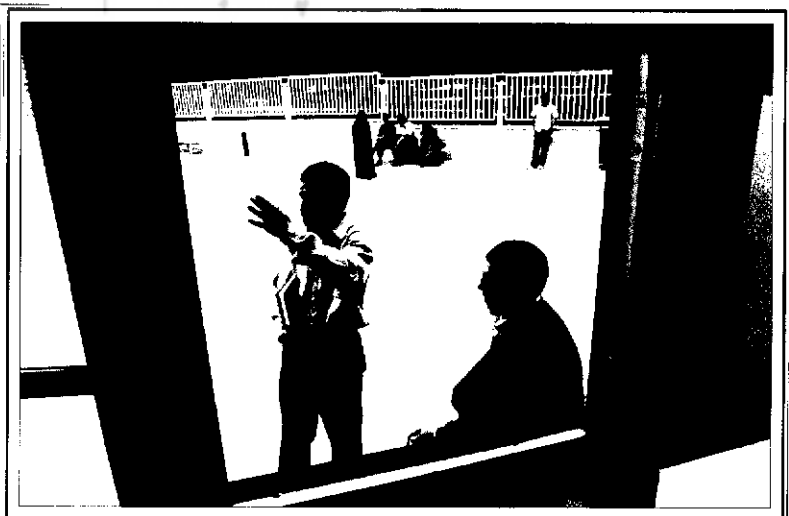
از جمله مشکلات موجود به طور اجمال می‌توان به فقدان ساختمان متناسب با تعداد شعب و واحدهای قضایی موجود، کافی نبودن پرسنل قضایی و اداری که به خصوص در بخش قضایی کاملاً ملموس و محسوس می‌باشد و فقدان واحداشاد کارآمد اشاره نمود.

■ انتظار شما از مسؤولان دستگاه قضایی کشور چیست؟

به نظر می‌رسد پاسخ سؤال مذکور به اشکال مختلف در پاسخ به سؤالات قبلی داده شده ولی به طور خلاصه لازم می‌دانم به ضرورت بازنگری در قوانین مختلف و حذف تشریفات بیهوده خصوصاً در رابطه با مواعد قانونی، تخصصی نمودن هر چه بیشتر امور قضایی، اهتمام بیش از پیش به امر آموزش و ایجاد فرصتهای آموزشی و مطالعاتی برای قضات و کارمندان اشاره نمایم.

بی‌مناسبت نیست که متذکر بشوم امر آموزش صرفاً با تدوین و چاپ کتب و نشریات مختلف مقدور نمی‌گردد، و نیز تقاضای خود را بر اعمال و اجرای صحیح ماده ۳۸ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین مبنی بر تکلیف وزارت دادگستری به اعطای فرصتهای مطالعاتی به صورت منظم و سالیانه به قضات و کارکنان اداری اعلام داشته و از ریاست محترم قوه قضائیه خواستار عنایت ویژه به اجرای صحیح آن می‌باشم. از جمله موارد مهمی که مورد تقاضای اکثریت قضات و کارکنان دستگاه قضایی کشور می‌باشد همانا توجه بیشتر به امور رفاهی و وضعیت معیشتی آنان می‌باشد که تناسبی با مسؤولیتهای محوله نداشته و بعضاً سطح دریافتی آنان حتی پایین‌تر از پرسنل برخی از دستگاههای اجرایی می‌باشد.

دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی که از



متوقف شده است علی‌ای حال شایسته است قانون‌گذار به متهم نیز در اینگونه موارد حق اعتراض بدهد.

۵- در بند ماده ۳ آمده است که نظر دادگاه در مورد قرارهای بازپرس قطعی است اما مشخص نیست قطعی بودن این قرارها دقیقاً به چه معنا است یا به عبارتی دو نوع برداشت از این موضوع می‌توان داشت:

الف: این قرارها قابل تجدیدنظر نیستند ب: دادگاه مکلف است به تبعیت از آنها مثلاً اگر بازپرس قرار منع تعقیب صادر نماید ولی دادگاه نظر بر مجرمیت داشته باشد بازپرس مکلف است نظر دادگاه را بپذیرد و قرار مجرمیت صادر نماید. همچنین در این قانون مرجع حل اختلاف بین دادسرا و دادگاه مشخص نیست مثلاً چنانچه بین دادیار یا بازپرس و دادگاه در مورد عدم صلاحیت اختلاف باشد آیا مرجعی جهت حل اختلاف وجود دارد یا نظر دادگاه لازم‌الاتباع است.

■ معمولاً چه نوع جرایمی جهت رسیدگی به شعبه‌های دادیاری ارجاع می‌گردد؟

به غیر از جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است (که رسیدگی به این جرایم در دادسرا و وظایف بازپرس است) دادیار می‌تواند به کلیه جرایمی که رسیدگی آنها وظیفه دادسرا است رسیدگی نماید. همچنین در مورد جرایم ذکر شده دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس اقدامات لازم برای حفظ و جمع‌آوری دلایل و آثار جرم به عمل می‌آورد که این وظیفه نیز معمولاً به دادیار واگذار می‌شود.

■ به نظر شما وظیفه دادسرا در پیشگیری از وقوع جرایم چه می‌تواند باشد؟

به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین از وظایف قوه قضائیه است اما به نظر می‌رسد ابزار لازم برای انجام این وظیفه مهم در اختیار دستگاه قضائی قرار داده نشده است و حتی انجام چنین وظیفه‌ای صرفاً از عهده یک قوه نیز بر نمی‌آید. بلکه همکاری قوای سه‌گانه را می‌طلبد من در اینجا مثالی عرض می‌کنم: مثلاً ایجاد روشنایی در معابر و کوچه‌ها نقش به‌سزایی در کاهش جرم سرقت دارد یعنی اینکه از اقدامات لازم برای پیشگیری از جرم سرقت، زودودن تاریکی است حال قوه قضائیه که مکلف به پیشگیری از وقوع جرم است چگونه می‌تواند روشنایی معابر را تامین کند. قطعاً این موضوع همکاری دولت را می‌طلبد. اما درعین حال دادسرا یا اقداماتی که نیاز به اینگونه تمهیدات مادی ندارد می‌تواند قسمتی از این وظیفه را انجام دهد به عنوان مثال اتخاذ تدابیر لازم جهت شناسایی و نظارت بر مجرمین سابقه دار به جهت کنترل آنها و جلوگیری از ارتکاب جرائم جدید را می‌توان از وظایف دادسرا جهت پیشگیری از جرم دانست. همچنین دادسرا

در صورت وصول اطلاع از تهیه مقدمات جرم باید جهت پیشگیری از وقوع آن دستور لازم را به ضابطین بدهد.

■ دادیار یعنی چه و عمده وظایف وی چیست؟

دادیار قاضی ایستاده است که به نمایندگی از طرف دادستان انجام وظیفه می‌کند و عنوان سابق آن وکیل عمومی بوده است و عمده وظایف وی عهده‌داری انجام تمام یا برخی از وظایف و اختیارات قانونی دادستان می‌باشد که از طرف دادستان به وی ارجاع می‌گردد. همچنین دادیار در غیاب دادستان و معاون او جانشین دادستان محسوب می‌شود.

■ در مورد مسایل زندانیان نیز چنانچه مطلبی دارید بیان نمایید.

به نظر می‌رسد یکی از دغدغه‌های مهم ریاست محترم قوه قضائیه حضرت آیت‌الله شاهرودی مسأله زندان و زندانیان است که دستورالعملها و رهنمودهای مفیدی نیز در خصوص این موضوع صادر فرموده‌اند این مسأله از زوایای متعددی قابل بررسی است: اول از لحاظ تراکم بیش از حد زندانها و نبود جا و امکانات لازم برای زندانیان (که به گفته مسوولان محترم سازمان زندانها چند برابر ظرفیت زندانها زندانی داریم). که این مسأله خود می‌تواند دارای آثار و تبعات منفی بسیاری باشد که از جمله می‌توان به گسترش و شیوع انواع بیماریهای مسری و خطرناک مانند ایدز، هیپاتیت، سل و... اشاره کرد همچنین عدم وجود طبقه‌بندی در بعضی زندانها که دلیل اصلی آن نبود امکانات متناسب با تعداد زندانیان است موجب می‌شود که زندانیانی که با اتهامات مختلف در یک مکان محبوس می‌باشند تجربیات منفی خود را با همدیگر تبادل نمایند که این امر باعث می‌گردد که متهمی که با ارتکاب یک بزه سبک راهی زندان شده تبدیل به فردی بزه‌کار با اندوخته‌های فراوانی از تجربیات سایر مجرمان خطرناک شود که این وضعیت با فلسفه مجازات حبس که اصلاح

مجرم می‌باشد در تناقض است زیرا نتیجه تحمل حبس به جای اینکه اصلاح مجرمین و تربیت و تنبیه آنان باشد، تجری آنان در ارتکاب جرم به خاطر آموختن راههای بزهکاری از سایر زندانیان است.

دوم اینکه صرف نظر از معضل تراکم زندانها دغدغه مهم دیگری هم وجود دارد و آن این است که اصولاً چرا باید از مجازات حبس استفاده کنیم یا به عبارت دقیق‌تر چه موقع باید مجرم را حبس کنیم و آیا این مجازات برای همه جرایم متناسب است. یکی از مهمترین دلایل طرفداران حبس مصون داشتن جامعه از خطر جانیان است آنان معتقدند باید با زندانی کردن مجرمین جامعه را از شر آنها خلاص نمود و اثر دیگر حبس تنبیه خود متهم است اما در مقابل حبس دارای آثار منفی زیادی نیز می‌باشد از جمله اینکه با زندانی نمودن یک نفر خانواده وی در معرض انواع تهدیدات و خطرات بالقوه و بالفعل قرار می‌گیرد و چه بسا در اثر زندانی کردن یک نفر ما باعث مجرم شدن کلیه اعضای خانواده یا لاقول عده‌ای از آنها شویم و اگر دقیق‌تر این قضیه مورد تحلیل عقلی قرار گیرد می‌بینیم که ما با زندانی نمودن مجرم به نوعی خانواده وی را نیز مجازات کرده‌ایم و همچنین همانگونه که عرض کردم زندان دانشگاه خرابکاری است که بعضاً ممکن است مجرمین عادی را به مجرمین خطرناک تبدیل کند و همچنین بیان شد که زندان محل شیوع انواع بیماریهای خطرناک است که ممکن است زندانی به آنها آلوده شود و در آتیه پس از ورود به اجتماع خود عامل انتشار آن بیماریها گردد که تبعاً هزینه معالجه این بیماران نیز بار مضاعفی است که به دولت و به تبع آن به جامعه تحمیل می‌شود.

البته واضح است که بیان این مطالب به معنای نفی مجازات حبس نیست و همان‌طوری که می‌دانیم به موجب قانون بعضی از مجرمین حتماً باید به حبس محکوم شوند اما در مورد بعضی دیگر که اغلب جرایم را شامل می‌شود قاضی می‌تواند





ایراهم شکیب پور

به موجب ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی یا ماده ۷۲۸ قانون مذکور و یا برخی قوانین دیگر مجازات را تخفیف دهد یا با ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم یا بعد از آن از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازاتهای تکمیلی و تبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی حسب مورد استفاده نماید. و با توجه به اینکه حبس تنها چاره و یا بهترین چاره نیست (و حتی در شرایط فعلی بدترین نوع مجازات است) تا جایی که امکان قانونی داشته باشد نباید از این مجازات استفاده نمود البته بحثهای دیگری حول این موضوع مطرح است از جمله مجازاتهای جایگزین حبس یا حبس در منزل و... که به دلیل طولانی شدن بحث به آنها نمی پردازیم.

■ نظرتان در مورد شوراهای حل اختلاف چیست؟ آیا وجود این شوراهای حل اختلاف به حقوق مردم موثر می دانید.

بله یقیناً همین طور است. تشکیل شوراهای حل اختلاف از اقدامات مهم ریاست محترم قوه قضاییه حضرت آیت... شاهرودی است که در راستای ایجاد فرهنگ صلح و سازش و کاستن از حجم کار محاکم دستور تشکیل آن را صادر فرمودند. می دانیم فلسفه این شوراهای داور و ایجاد صلح و سازش است داور یعنی رفع اختلاف میان افراد از طریق داور یا داورانی که طرفین یا به انتخاب خود یا به دستور مراجع قضایی (نظیر داور مقرر در ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام) انتخاب می کنند. داور اختیاری جایگاه قانونی نیز دارد به طوری که در مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ به این موضوع پرداخته شده است.

به علاوه ماده ۱۸۹ قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی مقرر داشته است: به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و در راستای توسعه مشارکت های مردمی رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارند و یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار می گردد و... همانگونه که عرض کردم وظیفه اولیه و ذاتی این شوراهای حل اختلاف بین مردم است بویژه در مسایل حقوقی و دعاوی خانوادگی که داور و حل و فصل آنها نقش ویژه ای دارد که حتی از نقش دادگاهها موثرتر است. با ایجاد این شوراهای هم از حجم و تراکم کار محاکم کاسته می شود و هم به دلیل مقید نبودن به تشریفات خاص دادرسی رسیدگی سریع تر به نتیجه می رسد و موجب رضایت مندی مردم از حکومت می گردد. از طرفی رسیدگی در این شوراهای مجانی است و

افراد جامعه بدون تحمل هزینه دادرسی می توانند مسایل خود را حل و فصل کنند اما باید به این نکته نیز توجه داشت که این شوراهای مراجع قضایی نیستند و اعضای آنها الزاماً تخصص قضایی ندارند بنابراین فعلاً نباید توقع داشت که این مراجع به مانند محاکم آرای متقن و محکم صادر نمایند علی هذا برای رفع این نقیصه لزوم آموزش اعضای آن را متذکر می شویم. مجدداً تأکید دارم بر این نکته که این شوراهای باید در مسیر ایجاد صلح و سازش بین اصحاب دعوی حرکت کنند نه رای به محکومیت یکی از طرفین و هر چه صلاحیت کیفری آنها کمتر باشد به عدالت قضایی نزدیکتر است و هر چه صلاحیت آنها در ایجاد سازش بیشتر باشد نیز همین طور. البته حسب آیین نامه اجرایی این قانون برای شوراهای در ایجاد صلح و سازش محدودیتی وجود ندارد مگر در مواردی که جنبه کیفری بوده و جنبه عمومی (غیر قابل گذشت) داشته باشد که در این موارد نیز چنانچه موضوع واجد هر دو جنبه (عمومی و خصوصی) باشد شورا می تواند در مورد جنبه خصوصی آن طرفین را به سمت صلح و آشتی هدایت نماید. در مجموع وجود این مراجع در پیشبرد اهداف قوه قضاییه که مهمترین آن احقاق حق است موثر خواهد بود.

ایراهم شکیب پور - مدیر دفتر کل دادگستری شهرستان ری رضایت حق تعالی رضایت مردم

با ۳۳ سال سابقه خدمت و دارای مدرک تحصیلی دیپلم متوسطه در پستهای مختلف اداری در: اداره سجل کیفری و غفو و بخشودگی، دفتر کل دادگاههای سابق استان، منشی شعب استان و جنائی سابق (با حفظ سمت)، در بدو

تاسیس سازمان بازرسی کل کشور به عنوان پایگان، از اوایل سال ۱۳۵۸ تا کنون در واحدهای مختلف قضایی شهرستان ری من جمله دادرسی عمومی سابق شهری در سمتهای منشی شعب دادرسی و بازرسی، مسؤول دفتر اجرای احکام کیفری، مدیر دفتر بازرسی شعبه اول و پس از انحلال دادرسی سابق شهری: مدیر دفتر شعب ششم اول دادگاه عمومی شهری و در نهایت از سال ۱۳۷۸ تا به حال در پست ثابت سازمانی مدیر دفتر کل (کارشناس امور قضایی) دادگستری شهرستان ری انجام وظیفه می نمایم.

این دادگستری دارای ۳۸ نفر قاضی ۶۲ نفر کارمند رسمی ۳۴ نفر کارمند پیمانی و ۵۴ نفر کارمند روزمزد می باشد که تعداد اخیرالذکر حدود ۲۰ نفر نیروی خدماتی را نیز دربر می گیرد. شایان ذکر است در سال ۱۳۷۸ به محض صدور دستور مقام مافوق دایر بر تصدی و انجام وظیفه در پست مدیر دفتر کل دادگستری شهری با تجربیات گذشته ام، به راحتی و بدون ایجاد وقفه در انجام امورات محوله، مسؤولیت محوله را با توکل به خدای متعال شروع و به عهده گرفتم و بحمد... تا کنون و تا این لحظه رضایت مسؤولین محترم و مراجعین محترم حاصل است که امید دارم رضایت حق تعالی نیز حاصل شده باشد که رضایت ذات اقدسش در رضایت مردم است که همان مراجعین عزیز و محترم می باشند.

لذا از محضر باری تعالی مسألت دارم توفیق و سلامتی به حقیر عنایت فرماید تا همچنان در کنار سایر همکاران محترم قضایی و اداری که موفقیت خود در انجام امور را مرهون و مدیون آن عزیزان هستم تجربیات و اندوخته های اداری ام و همچنین سعی و تلاشم را به کار بستم تا انشاءالله حتی المقدور مراجعین محترم به این دادگستری از نظر انجام امورات اداری و اخذ پاسخ در این سال که از طرف رهبر معظم انقلاب اسلامی سال پاسخگویی نام گرفته راضی برگردند، انشا...